



## بررسی اثر فرهنگ و هنر اسلامی در همگرایی و واگرایی ایران و پاکستان

امیرعلی اسدی<sup>۱</sup>، علی اکبر امینی<sup>۲\*</sup> ID، منصور تاجری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد زاهدان

<sup>۲</sup>(نویسنده مسئول) دکتری علوم سیاسی، استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز

<sup>۳</sup>دکتری علوم سیاسی، استادیار مطالعات سیاسی خاورمیانه، دانشگاه آزاد، واحد زاهدان

### چکیده

ایران و پاکستان به عنوان دو کشور همسایه از دیرباز دارای روابط گسترده سیاسی و فرهنگی بوده‌اند. بدون شک یکی از مهمترین عواملی که نقشی مهم در روابط دوستانه و همگرایی این دو کشور داشته اشتراک در فرهنگ مذهبی بوده است. با این حال در قرن اخیر رابطه بین دو کشور همواره به شکل همگرایی نبوده است و گاه به شکل واگرایی درآمده است. نیروهای همگرا و واگرا که در تعیین چگونگی و کیفیت انسجام ملی نقش عمده‌ای دارند، مفاهیمی منفک از هم نیستند، بلکه متغیرهایی هستند که دارای پیوندی معکوس و متأثر از هم می‌باشند. نیروهای همگرا و واگرا در تعیین چگونگی و کیفیت انسجام ملی نقش عمده‌ای دارند، مفاهیمی منفک از هم نیستند، بلکه متغیرهایی هستند که دارای پیوندی معکوس و متأثر از هم می‌باشند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد موضوع فرهنگ و هنر اسلامی را از بُعد تأثیرگذاری بر روند همگرایی و واگرایی میان ایران و پاکستان مورد تحلیل قرار دهد. در نهایت به این نتیجه دست یافته که فرهنگ و هنر اسلامی افراطی در اثر مسائل داخلی، ملی و بین‌المللی از جمله وجود مدارس مذهبی، دخالت عربستان و یا حضور ایالات متحده در پاکستان باعث شده تا همگرایی با ایران دچار اختلال شده و مسیری چالش‌برانگیز را در پیش‌رو داشته باشد، به‌ویژه این که روابط ایران و هند شرایط مساعدتر و مفیدتری برای ایران از جنبه‌ی اقتصادی دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش فرهنگ و هنر اسلامی در همگرایی و واگرایی روابط بین ایران و پاکستان.
۲. بررسی چالش‌هایی فرهنگ و هنر مذهبی در زمینه‌ی رسیدن ایران و پاکستان به همگرایی.

### سوالات پژوهش:

۱. آیا فرهنگ و هنر اسلامی در همگرایی و واگرایی روابط بین ایران و پاکستان تأثیر دارد؟
۲. همگرایی و واگرایی فرهنگی و هنری ایران و پاکستان تا چه میزان بر روابط ایران و پاکستان تأثیر داشته است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۲

دوره ۱۸

صفحه ۰۷ الی ۱۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۳

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

### کلمات کلیدی

روابط ایران و پاکستان، فرهنگ و هنر اسلامی، همگرایی، واگرایی.

### ارجاع به این مقاله

اسدی، امید علی، امینی، علی اکبر، تاجری، منصور. (۱۴۰۰). بررسی اثر فرهنگ و هنر اسلامی در همگرایی و واگرایی ایران و پاکستان. هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۷-۱۷.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.42.12](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.42.12)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.42.12](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.42.12)

## مقدمه

امروزه در مدیریت روابط بین‌الملل، عواملی چون فرهنگ و هنر می‌توانند نقشی کلیدی در ساماندهی روابط میان جوامع داشته باشند. در این میان، جوامع اسلامی با تکیه بر اشتراکات فرهنگی مذهبی در صدد برقراری روابط دوستانه یا ایجاد اتحاد بین خود هستند. همگرایی اسلامی، مقوله‌ای بسیار جدی در عصر حاضر به شمار می‌رود. اگرچه موضوع همگرایی اسلامی و به تعبیری وحدت اسلامی از صدر اسلام مطرح بوده، لیکن در قرون اخیر با حضور قدرت‌های خارجی در قلمرو جهان اسلام، همگرایی مفهوم روشن‌تری یافته است. در راستای همگرایی اسلامی، سمبل‌های تفکر دینی در عالم اسلامی، راهکارهای عملی نیز پیشنهاد داده‌اند. یکی از این شخصیت‌ها شهید دکتر رنتیسی از رهبران حماس، پیشنهاد تشکیل ایالات متحده اسلامی را به منظور جلوگیری از دخالت بیگانگان به ویژه آمریکا در امور داخلی کشورهای اسلامی داده است. بررسی اسباب و مقوم‌های همگرایی دینی، ناظر بر این موضوع است که هر یک از مذاهب اسلامی، چگونه از عوامل تفرقه فاصله گرفته، پایه‌های استواری از اتحاد و انسجام اسلامی را در حوزه وسیع‌تر امت اسلامی را شکل دهند. امروزه گسترش جریان‌های تندرو مذهبی و بنیادگرا در جهان به عنوان مسئله اساسی دولت‌های جهان تبدیل شده است. در این میان، فوری‌ترین تهدیدات و خطرات همواره از ناحیه همسایگان برای کشورها متصور می‌باشد که بر رفتار سیاسی، استراتژی‌ها، منافع و اهداف ملی، امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا و موجودیت کشورها اثر می‌گذارد. در حال حاضر کشور پاکستان یکی از همسایگان بزرگ ایران است که با ایران دارای تشابهات فرهنگی و مذهبی می‌باشد بنابراین ضرورت بررسی کیفیت و چگونگی همگرایی و واگرایی بین این دو کشور مطرح می‌گردد. در این میان عواملی چون فرهنگ و هنر نقش محوری در مدیریت این همگرایی یا واگرایی داشته‌اند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری به بررسی رابطه فرهنگی ایران و پاکستان پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «رابطه فرهنگی بین پاکستان و ایران» به قلم سرور (۱۳۴۸) به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله به بررسی نقش زبان فارسی در ارتباط دو کشور پرداخته شده است. مقاله‌ای دیگر را عنوان «مطالعه تطبیقی اشتراکات فرهنگی میان بلوچستان و پاکستان در دوران اسلامی: مطالعه موردی مساجد منطقه و ریشه‌یابی از عناصر وابسته به آن‌ها» به قلم صارمی نایینی و همکاران (۱۳۸۹) به رشته تحریر در آمده است. این پژوهش به بررسی ریشه همگرایی بین ایران و پاکستان در دوره اسلامی با توجه به اشتراکات مذهبی پرداخته است. در این اثر اشاره‌ای به بحث هنری و واگرایی و همگرایی بین این دو کشور در عصر حاضر نشده است.

پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و در صدد است تا با واکاوی عناصر فرهنگی و هنری میان ایران و پاکستان به بررسی چرایی و چگونگی مدیریت بهتر این روابط با توجه به اشتراکات فرهنگی و مذهبی بپردازد.

## ۱. مفهوم هویت در نظریه سازه‌انگاری و رهیافت فرهنگ و هنر راهبردی

پیش از پرداختن به مفهوم هویت در نظریه سازه‌انگاری به شاخصه‌های این نظریه می‌پردازیم. نظریه سازه‌انگاری از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ به یکی از نظریه‌های اصلی روابط بین‌المللی تبدیل شده است. این نظریه هنگام تبیین رفتار کنشگران، بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به طور مشخص هنجارها، فرهنگ، هویت و اندیشه‌ها تأکید دارد. هواداران سازه‌انگاری روندهایی را بررسی می‌کنند که هویت‌ها و منافع کنش‌گران از طریق آنها در جریان تعامل اجتماعی مستمر با سایر بازیگران تولید، بازتولید و گاه دگرگون می‌شود (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۱۸۶). سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. سازه‌انگاری ابتدا بیشتر با نام الکساندر ونت شناخته می‌شد.

هویت از نظر لغوی، واژه هویت به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌رود: نخست، همسانی و یک‌نواختی مطلق؛ دوم، تمایز که دربرگیرنده ثبات یا تداوم طی زمان است. معنای اول دربرگیرنده همسانی بین خودی‌ها و معنای دوم، تمایز میان خودی‌ها و غیرخودی‌هاست هویت را می‌توان فهم‌ها و انتظارات از خود، دیگران و روابط میان آنها تعریف کرد. هویت، ساز و کاری است که به افراد درکی از خود و ابزاری برای فهم روابط خود با محیط خارجی ارائه می‌کند و هویت‌ها دربرگیرنده و مشخص‌کننده ویژگی‌های متفاوت هستند. هویت در تماس با دیگران ساخته می‌شود؛ یعنی وقتی غیرخودی مطرح باشد، خودی‌ها به همسانی‌ها و شباهت‌ها پی می‌برند. بنابراین هویت داشتن در درجه اول به معنای خاص بودن، متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن است. هویت با لایه‌های دینی- فرهنگ و هنری خود شکل‌دهنده باورها، رفتارها، آگاهی‌ها، دانش، نگرش و چارچوب‌هایی رفتاری است. نظریه سازه‌انگاری از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ به یکی از نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. این نظریه هنگام تبیین رفتار کنشگران، بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به طور مشخص هنجارها، فرهنگ، هویت و اندیشه‌ها تأکید دارد. هواداران سازه‌انگاری روندهایی را بررسی می‌کنند که هویت‌ها و منافع کنش‌گران از طریق آنها در جریان تعامل اجتماعی مستمر با سایر بازیگران تولید، بازتولید و گاه دگرگون می‌شود (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۱۸۶). سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. سازه‌انگاری ابتدا بیشتر با نام الکساندر ونت شناخته می‌شد. علاوه بر واینر، چکل نیز به تقسیم‌بندی رهیافت سازه‌انگاری پرداخته و این رهیافت را به سه دسته هویتی، تفسیری و رادیکال/انتقادی تقسیم می‌کند (رمضان‌زاده و جوکار، ۱۳۸۹: ۶۷).

هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود. گزاره‌های اصلی سازه‌انگاری عبارتند از: نخست، ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند. دوم، هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند و سوم، ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند (امجد، ۱۳۹۲: ۱۶۹). در بررسی رابطه هویت و فرهنگ راهبردی، مساله فرهنگ عمومی مردم یک کشور که از مؤلفه‌های بنیادین هویت است، برای تبیین رفتار دولت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. رهیافت فرهنگ راهبردی بر این مفهوم استوار



است که دولت‌های متفاوت با توجه به هویت خاص خود فرهنگ راهبردی و در نتیجه اولویت‌های راهبردی متفاوتی دارند. سه گفتمان درباره فرهنگ راهبردی تقریباً در سه دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰ مطرح شد که تلاش داشتند نشان دهند رفتار راهبردی الزاماً ناشی از عوامل ساختاری-مادی نیستند، بلکه مجموعه عواملی که می‌توان آن‌ها را فرهنگ نامید، در این میان نقش دارند (خزائی، ۱۳۹۷: ۵۱). فرهنگ راهبردی ناشی از تعامل میان هویت، ارزش‌ها، هنجارها و نیز چشم‌انداز دید است که مردم هر کشور از طریق آموزش و سایر راهکارهای جامعه‌پذیری آن‌ها را کسب می‌کنند. این ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌های ویژه نقش مهمی در چگونگی نگاه به مفهوم امنیت، دشمن، متحدان و چگونگی آمادگی نظامی و امنیتی دارند. بر این اساس، فرهنگ راهبردی آن بخش از فرهنگ عمومی است که در حوزه دفاع و امنیت، نقش مهمی در تعیین مفاهیم و مصداق‌ها ایفا می‌کند (آمری راد، ۱۳۹۴: ۶۳).

## ۲. فرهنگ و هنر اسلامی

از نظر نای، فرهنگ عبارت است از دسته‌ای از ارزش‌ها و اعمال که به یک جامعه معنا می‌بخشد. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال این‌که نتایج مطلوب (با هزینه اندک و معتنی بر قدرت نرم) تحصیل شود، افزایش می‌یابد، به گمان او ایالات متحده از یک فرهنگ جهانی برخوردار است. فرهنگ یکی از عمده‌ترین منابع قدرت نرم در جهان امروز است به عنوان مثال امروزه ایالات متحده آمریکا با داشتن بیشترین دانشجویان خارجی (بین‌المللی) که معمولاً با درک بهتری از ارزش‌ها و نهادهای آمریکایی به خانه بازمی‌گردند، دارا بودن بیشترین معادلات علمی و دانشگاهی و داشتن قریب به ۱۱ دانشگاه معتبر جهان در رده‌بندی ۵۰۰ دانشگاه برتر جهانی، داشتن بیشترین دانشجویان به نسبت جمعیت، داشتن بیشترین جوایز نوبل، در اختیار داشتن شرکت‌های مهم فیلم‌سازی جهان (هالیوود) به لحاظ کیفیت بیشترین قدرت نرم را در سطح جهانی به خود اختصاص داده است (آمری راد، ۱۳۹۴: ۶۳). برخی نگرش‌ها، اخلاقیات و نوع پوشش، شیوه‌های دفاع، عبادت، تغذیه، ازدواج و ویژگی‌های دیگری که به سبک زندگی مربوط می‌شوند، عناصر فرهنگی هستند که علی‌رغم اشتراکات فرهنگی، هویت‌های فرهنگی ملت‌ها، گروه‌ها و اقوام را تشکیل می‌دهند. فرهنگ‌های ملی، قومی و طائفه‌های، محلی و گروه‌های مختلف اجتماعی، که افراد یا گروه‌ها در تعاملات فرهنگی به عنوان «فرهنگ ما» با آن اشاره می‌کنند، همان هویت‌های فرهنگی گروه‌ها هستند.

در فرهنگ لغات سیاسی آکسفورد، از فرهنگ و هنر اسلامی اسلامی برای توصیف هر حرکتی که خواهان اجرای کامل و بی‌چون و چرای آموزه‌های قرآن و شریعت باشد، استفاده شده در این فرهنگ در ذیل توضیحات اصطلاح فرهنگ و هنر اسلامی مسیحی اشاره شده که پس از انقلاب اسلامی ایران، اصطلاح فرهنگ و هنر اسلامی اسلامی ظهور کرده و فرهنگ و هنر اسلامی به منزله‌ی علامت و مظهر ستیزه‌جویی، عصبیت و عدم تحمل برای بسیاری در جهان غرب تبدیل شده است (سنگی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). دیگر ابعاد فرهنگ اسلامی، هنر اسلامی علاوه بر این‌که از هنر بیزانسی نیز الهاماتی گرفته است، نتیجه افزایش دانش محیطی ۵، اجتماعی و تلفیقی از سنت‌های قوم عرب، پارس، خاورمیانه و

آفرینا است. دانش و پیشرفت هنری منحصر بفرد اسلام از سه عنصر اصلی تشکیل شده است، قرآن به عنوان اولین کار هنری در اسلام به شمار می‌آید که یک شاهکار هنری به نظر می‌رسد. نتیجه نهایی از تجربیات بیان شده در قرآن این است که خواننده در هنگام خواندن شرح وقایع در قرآن حضور خداوند را احساس می‌کند: "زمانی که این آیات نیکو بر آنها خوانده می‌شود، آن‌ها در حمد و ستایش خداوند بزرگ در مانده می‌شوند و اشک‌ها سرازیر می‌گردد. هنرمندان اسلامی در هنر و دانش الگوی خود را از تجربیات قرآنی اقتباس کرده‌اند و شیوه جدیدی را برای ایجاد هنر اسلامی از طریق عوامل تعیین‌کننده مستقل و غیر مستقل آیات قرآنی شروع کردند. در هنر اسلامی بر حضور و نشانه خداوند خالق نسبت به مخلوقاتش، مانند انسان تأکید شده است (آمری راد، ۱۳۹۴: ۶۳). هنر اسلامی از هنر دیگر فرهنگ‌ها چه در شکل و تصویر، عناصر و عوامل تشکیل‌دهنده و حتی در موضوع و مفهوم نیز متفاوت است. به عنوان مثال فیلیپس معتقد است که هنر اسلامی در کل و اساساً به مقوله رنگ توجه دارد برخلاف هنر غرب که علاقه بیشتری به شکل و تصویر دارد. او توضیح می‌دهد که هنر شرق دارای ویژگی‌های زنانه، احساسی است و تقریباً مقوله رنگ در آثار هنری اسلامی اهمیت خاصی دارد، در حالی که هنر غرب دارای ویژگی‌های مردانه، عقلانی می‌باشد و بر اساس طرح‌های انعطاف‌پذیر و شکل‌پذیر و بی‌اعتنا به رنگ ایجاد می‌شود.

«تفکر اسلامی و کل عالم آن رجوع به اسم «الله اکبر» دارد. جهان در تفکر اسلامی جلوه و مشکات انوار الهی و حاصل «فیض مقدس» نقاش ازلی است. هر ذره‌ای و هر موجودی از موجودات جهان و هر نقش و نگاری و هر شیئی و امری، مظهر اسمی از اسمای الهی است؛ و در میان موجودات، انسان مظهر جمیع اسما و صفات و گزیده‌ی عالم است» (مددپور، ۱۳۸۸: ۳۸۶). «هنر در ادیان مختلف و از جمله دین مبین اسلام، از جایگاهی بس رفیع و قابل تأمل برخوردار است. بر این نکته می‌توان به جرأت تأکید کرد که هنر و هنرمند در هیچ مکتب و مذهبی به اندازه‌ی اسلام مورد تکریم و تقدیر قرار نگرفته است. برای درک ارزش هنر در اسلام، نخستین گام، شناخت کتاب آسمانی این دین الهی یعنی قرآن کریم، معجزه‌ی راستین حضرت خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) است. بدون تردید حمایت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از هنر متعهد و از هنرمندان مسئول، سنگ اولیه‌ی بنای رفیع هنر شکوهمند اسلامی به شمار می‌آید؛ هنری که دارای پیامی آسمانی است و در آن عنایت ویژه‌ای به تعالی انسان مبذول شده است» (رحمانی آذر، ۱۳۹۷: ۱).

### ۳. واگرایی و همگرایی

انسان همواره نیازمند به ارتباط و وابستگی است، بدون برقراری پیوند و ارتباط متقابل انسان‌ها نخواهند توانست نیازهای خود را برطرف سازند. ایجاد و برقراری رابطه، لازمه رفع احتیاج خواهند بود، در همگرایی و پیوستن به یکدیگر است که می‌توان به سطح توسعه یافتگی و برطرف کردن نیازها و احتیاجات رسید. در این میان از زمانی که انسان توانست، آتش را کشف کند و یا خط را اختراع کند همواره در صدد ایجاد برقراری و ارتباط با هم‌نوع خود بوده است. به مرور

زمان، روند برقراری همکاری میان گروه‌های انسانی، ابعاد گوناگونی را سپری کرده است؛ با گذشت زمان و تکامل فکری انسان، این روند نیز بهتر و بیشتر شده است. همگرایی و واگرایی میان انسان‌ها همیشه وجود داشته است، به طوری که یکی بدون دیگری معنی و مفهوم پیدا نمی‌کند. همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و یا بازیگران سیاسی می‌باشد. شکل‌گیری، بقا و یا سقوط فرایند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به عبارتی بازیگری که تن به شرکت در فرایند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران را می‌دهد به این می‌اندیشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تأمین و تهدیدات را از او دور می‌سازد (مجتهدزاده، ۱۳۹۷: ۱۰). با این تفاسیر دو مقوله واگرایی و همگرایی امروزه نقش کلیدی در فراز و فرود روابط کشورها دارند.

#### ۴. موقعیت ژئوپولیتیک ایران و پاکستان

ایران در منطقه آسیای جنوب غربی و درحوزه ژئوپولیتیکی خاورمیانه واقع شده است. این کشور در شمال با دریای خزر، ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان هم مرز است. در جنوب به دریاهای آزاد راه دارد. از سمت غرب با ترکیه و عراق و در شرق با پاکستان و افغانستان همجوار است. آسیای جنوب غربی در حقیقت منطقه واسطه بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است، که ایران در این منطقه، به نحو شدیدی از حوادث این سه قاره، متأثر است. این منطقه از پنج حوزه ژئوپولیتیکی شامل: آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه شکل می‌گیرد. تنها حلقه اتصال این حوزه‌های متفاوت و جدای جغرافیایی، کشور ایران است که می‌تواند این سرزمین‌ها و حتی منابع و خصوصیات جغرافیایی آن‌ها را به هم مرتبط سازد ایران باید در مطالعات خود منطقه آسیای جنوب غربی را مدنظر قرار دهد (سلیمی، ۱۳۹۵: ۳).

پاکستان در جنوب غربی آسیا در محدوده ۲۳ الی ۳۶ درجه عرض جغرافیایی و ۶۱ الی ۷۵ درجه طول شرقی واقع شده است. مساحت این کشور ۸۰۲/۴۹۳ مربع می‌باشد. طبق آمار سال ۲۰۱۰ کشور پاکستان با جمعیتی حدود ۱۸۰ میلیون نفر، ششمین کشور پرجمعیت دنیا به شمار می‌رود و دارای نرخ رشد جمعیت بالایی است. این کشور در آسیای جنوبی و قسمتی از آن نیز در خاورمیانه و فلات ایران واقع شده است. پاکستان مرز هزار کیلومتری با دریای عرب در قسمت جنوب دارد و از غرب با ایران، از شمال با افغانستان، از شرق با هندوستان و از شمال شرق با جمهوری خلق چین هم مرز است. مؤلفه‌های ژئوپولیتیکی کشور پاکستان از یک سو جغرافیایی و سیاسی بوده و از سوی دیگر می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های داخلی و خارجی نیز محسوب شوند. همان‌طور که در قسمت ژئوپولیتیک ایران اشاره شد آسیای جنوب غربی از پنج حوزه ژئوپولیتیکی شامل: آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه شکل می‌گیرد. پاکستان تنها در زیر سیستم شبه قاره و به ویژه افغانستان نقش ایفا می‌کند. این کشور سعی می‌کند به واسطه افغانستان در منطقه آسیای مرکزی از طریق ژئوپولیتیک خطوط لوله و انرژی نقش ایفا کند (صفوی، ۱۳۹۷: ۱).

## ۵. تأثیرات بنیاد گرایی بر ایران و پاکستان

انقلاب اسلامی در ایران، در یک شرایط غیر قابل پیش‌بینی به پیروزی رسید. در همان روزهای پیروزی انقلاب شورایی به نام شورای انقلاب به عنوان اولین ارکان قدرت سیاسی و عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری کشور بعد از امام خمینی (ره)، در تاریخ ۲۳ دی ماه ۵۷ با پیام امام علناً موجودیت خود را اعلان کرد. با یک نظری کلی به ترکیب اعضای شورای انقلاب مشخص می‌شود که امام به جهت تعادل در قدرت و اقناع کلیه جریان‌های سیاسی مفید ترجیح می‌دادند که اعضای این شورا تلفیقی از دو گرایش روحانیون مذهبی نزدیک به خویش و ملی مذهبی‌های میانه‌رو باشد. اما در نهایت به دلیل تسلط کمی و نفوذ بیشتر افراد روحانی بر شورا، نتیجه صورت جلسات آن، بازتاب نگرش انقلابی و دینی بود. دلیل این موضوع روشن است؛ روحانیون فاقد تجربه سیاسی در اداره کشور هیچ ادبیات تولید شده و آماده نداشتند. از طرف دیگر، فرصت نظریه‌سازی هم نداشتند. به ناچار به ادبیات تولید شده توسط گروه‌های اسلامی نظیری اخوان-المسلمین سوق داده شد. شورای انقلاب، حدود ۶ مصوبه داشت. با کمی دقت، سایه سنگین تفکر امثال سید قطب و ابو‌الاعلی مودودی را می‌توان در شکل‌گیری مسائل اقتصادی و سیاسی حس کرد. همین‌طور ایده تشکیل حکومت اسلامی برای اولین بار توسط اخوانی‌ها مطرح در ایران شکل عملی به خود گرفت (فوزی، ۱۳۹۴: ۳۳). بنابراین باید گفت جامعه ایران در دوره معاصر از نظر فرهنگ سیاسی با دیگر گروه‌های سیاسی جهان اسلام همگرایی داشته است.

پاکستان پس از استقلال از هند همواره با همسایگانش به‌صورت ایدئولوژیک برخورد کرده است. این مسأله در برخورد با هر سه کشور ایران، افغانستان و هند صادق است. از این جهت، توسل به سیاست‌های نامعقول نظیر حمایت از گروه‌های تروریستی در برخورد با همسایگان بخشی از راهبرد چالش‌برانگیز این کشور است که پاکستان را در مواضع کاملاً تنش‌ناپذیر و نماینده‌ی اعراب و رادیکالیسم معرفی می‌کند، این مسأله در مورد ایران نیز صادق است. پس از کودتای ژنرال ضیاالحق در پاکستان (۱۹۷۸) و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹)، روابط صمیمی دو کشور در فضای غبارآلود ایدئولوژیک (شیعه - سنی)، تا حدود زیادی تیره شد. از آن پس نیز، مرزهای صلح و دوستی دو کشور تبدیل به مرزهای پرورش‌دهنده‌ی تروریست‌های جیش‌العدل، جندالله، سپاه صحابه و... شده است. هر چند روابط دو کشور به کرار رو به سردی نهاده، اما هیچ‌گاه از بین نرفته و سعی دو کشور همواره بر این بود که مرزهای ثبات و دوستی آن‌ها تحت هر شرایطی حفظ شود (محمدی و احمدی، ۱۳۹۵: ۳).

## ۶. تحلیل ژئوپولیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران

شناخت محیط پیرامونی و تحلیل ژئوپولیتیک کشورهای همسایه، از مهمترین عواملی است که در راستای برقراری و گسترش روابط دوجانبه باید مد نظر قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران برای این که بتواند بر چالش‌ها و تنگناهای پیرامونی غلبه یابد و چالش‌ها و رقابت‌های ناسازگار ژئوپولیتیک را به همکاری تبدیل کند، در وهله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپولیتیک کشورهای منطقه و شناخت آنهاست. پاکستان به عنوان یکی از بی‌ثباتترین همسایگان ایران،



دارای طیفی از مشکلات داخلی نظیر اقتصاد ورشکسته و بیمار، افراطی‌گری، نبود دموکراسی، تجمیع قدرت در دست ارتش و ژنرال‌ها، نفوذ بیش از اندازه گروه‌ها و احزاب اسلامی، فساد اداری، خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی و... است.

اولین تشکیلاتی که می‌تواند در جهت وحدت جهان اسلام عمل کند، سازمان کنفرانس اسلامی است. این سازمان تنها نهاد دولتی-مذهبی بین‌المللی است. سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۶۹ در پی حریق عمدی مسجدالاقصی بوجود آمد و با وجود فراز و نشیب‌های فراوان توانسته خود را به صورت یک نهاد بین‌المللی معتبر تثبیت کند کشور پاکستان که در این حوزه ژئوپولیتیکی می‌گنجد، اصلی‌ترین عامل استقلال آن اسلام بود و مشروعیت خود را از اسلام کسب کرده است (آمری راد، ۱۳۹۴: ۶).

استقرار قوم و قبیله‌های بلوچ در فاصله مرزهای مشترک سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان به‌طور طبیعی باید باعث تفاهم و هماهنگی سه جانبه‌ای برای کنترل استراتژیک قلمرو بلوچ‌نشین شود. این هماهنگی تقریباً همواره بین ایران و پاکستان وجود داشته است. ایران از نظر آسیب‌پذیری از ناحیه اقوام و قبایل بلوچ نسبت به پاکستان در موقعیت بهتری قرار دارد (کریمی پور، ۱۳۹۷: ۹).

اکو (Economic cooperation of organization) یکی از مهم‌ترین همکاری‌های دو کشور ایران و پاکستان در قالب پیمان‌های منطقه‌ای، سازمان همکاری منطقه‌ای اکو است. سازمان همکاری اقتصادی اکو یک سازمان بسیار مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای است که شاخه وسیع و مهم جغرافیایی را در بر می‌گیرد و هدف آن ایجاد شرایط و زمینه‌های لازم برای توسعه فعالیت اقتصادی و فرهنگ و هنری کشورهای عضو و برقراری همکاری‌های فعال و درازمدت منطقه‌ای در عرصه‌های مختلف است. از آنجائیکه دو کشور ایران و پاکستان دو عنصر اصلی از سه عضو تشکیل‌دهنده سازمان همکاری اقتصادی اکو می‌باشند و همکاری‌ها و مبادلات در چارچوب سازمان، مرتبط با این موضوع می‌باشد، هر گونه پیشرفت در روند کار یا برنامه‌های این سازمان تأثیر مستقیم در روابط دوجانبه بین این دو کشور دارد در نتیجه اکو فرصت مناسبی برای دو کشور ایران و پاکستان است، تا سیاست‌های خود را در راستای رشد اقتصادی هماهنگ سازند و شرایط و زمینه‌های لازم را برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و تشویق سرمایه‌گذاری و تجارت و برداشتن موانع ترانزیتی بین دو کشور فراهم سازند (آمری راد، ۱۳۹۴: ۱۰).

گروه ۸D بدون تردید یکی از راه‌های افزایش همکاری‌های دو کشور ایران و پاکستان، ایجاد بازار مشترک اسلامی است. برای رسیدن به این هدف و ایجاد زمینه و بستر مناسب برای فعالیت مؤثر و کارایی این بازار؛ استفاده از تشکیلاتی چون گروه هشت کشور اسلامی مفید است و می‌توان از ترتیبات تجاری و اقتصادی زیرگروه‌های این هشت کشور اسلامی در این ارتباط سود فراوان برد و از تجربیات آنان استفاده کرد (راک خواه، ۱۳۹۴: ۱). در دهه‌های آغازین قرن بیست و یکم، تقاضا برای گاز طبیعی دارای بالاترین رشد می‌باشد. با رشد تقاضای انرژی در هند و کشورهای همسایه



آن، خط لوله گاز ایران- پاکستان- هند حکایت از جایگاه ویژه‌ای در میان کشورهای منطقه دارد (شفیعی، ۱۳۸۸: ۴۹). پاکستان در قبال این خط لوله سیاست مبهمی را در پیش گرفته است، از یک طرف برای رسیدن این خط لوله به هند مشکل ایجاد می‌کند و از طرف دیگر برای بدست آوردن میلیون‌ها دلار از این خط لوله اشتیاق زیادی را نشان می‌دهد. تجزیه و تحلیل این پروژه نشان می‌دهد که: اولاً این خط لوله برای هر سه کشور مفید است و ثانیاً این خط لوله گرفتار ژئوپولیتیک پیچیده و پر از تنش منطقه است (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۷: ۳). با این تفاسیر می‌توان گفت فرهنگ و هنر اسلامی در همگرایی دو کشور ایران و پاکستان نقش مهمی داشته است و تکیه بر این عامل نقش مهمی در واگرایی‌های منطقه‌ای دارد.

### نتیجه‌گیری

در حال حاضر پاکستان با سه چالش ژئوپولیتیکی مهم روبروست، این سه چالش عبارتند از: ۱- تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی- قومی ۲- دولت ضعیف و بحران اقتدار ۳- دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای. از سوی دیگر نمی‌توان نقش بحران اقتدار را در پاکستان و حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای را در سطح منطقه به بهانه حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی در پاکستان و افغانستان و تأثیرات آن را بر ایران نادیده گرفت. رقابت ژئوپولیتیکی میان ایران و پاکستان می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد هر دو کشور داشته باشد. با این که کشور پاکستان دارای چالش‌های زیادی است، اما کاهش تنش‌های ژئوپولیتیکی عملیاتی ساختن زمینه‌های همکاری و از بین بردن تقابل میان دو کشور، رقابت آن‌ها را در سطح منطقه محتمل می‌کند. در هر صورت، در همکاری و رقابت میان کشورهای ایران و پاکستان در سطح منطقه عواملی مانند: مسائل مذهبی-ایدئولوژیکی، انرژی، ترانزیت و حمل و نقل، آب، دسترسی و ارتباطات، و مسائل قومیتی نقش بارزی را بازی می‌کنند. به غیر از همکاری، توانایی و رقابت هر یک از این دو کشور بستگی به پتانسیل‌های محیطی، سیاست خارجی در قبال کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و جهانی و استراتژی-های خود کشورها دارد و کشوری می‌تواند رقابت را ادامه دهد که توان لازم را برای تأثیرگذاری بر عوامل بالا داشته باشد. بر این اساس، ایران و پاکستان چگونه می‌توانند روابط همگرایی را تجربه کنند؟ به صورت تاریخی دو کشور دارای، پیوندهای فرهنگ و هنری (ژئوکالچری)، ژئوپولیتیکی و جغرافیایی فراوانی‌اند؛ این مهم خود مدخلی است برای نیل به روابط مطلوب‌تر در سایر زمینه‌ها به طوری که دو کشور قادرند با مشارکت بهتر و جدی‌تر در گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نظیر: پیمان سیاسی- اقتصادی شانگهای و پیمان اقتصادی اکو، سازمان کشورهای اسلامی و گروه موسوم به دی هشت؛ با ماهیت دو گانه ژئوپولیتیک- ژئواکونومی روابط ما بین را ارتقاء ببخشند.

## منابع:

## کتاب‌ها:

آمری راد، داوود. (۱۳۹۴). روابط ایران و پاکستان در بعداز انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.

امیری، هاشم. (۱۳۹۰). نقش عوامل سیاسی- امنیتی در توسعه نیافتگی منطقه آزاد چابهار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۴). اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.

خزائی، صفی‌الله. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی در سیاسی- تشکیلاتی شدن شیعیان در پاکستان در دهه اول انقلاب اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

رحمانی آذر، جعفر. (۱۳۹۷). زمینه‌های ژئوپولیتیکی دخالت ترکیه در شمال عراق از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

راک خواه، فاطمه. (۱۳۹۴). آشنایی با گروه اقتصادی و تجاری کشورهای اسلامی-۸d، سایت سازمان تبلیغات اسلامی.

رمضان‌زاده و جوکار. (۱۳۸۹). زیبا، سیاست خارجی پاکستان: تغییر و تحول، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

سنگی، لیلا. (۱۳۹۳). علل حضور پاکستان در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر منافع ملی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.

صفوی، سیدیحیی. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران؛ جلد اول شمال غرب و غرب کشور، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

عزتی، عزت‌الله. (۱۳۹۲). ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: انتشارات سمت.

کارگر، بهمن. (۱۳۷۳). جمهوری اسلامی پاکستان؛ مسائل جغرافیایی با نگرش به جنبه‌های انسانی و سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی.

کریمی پور، یدالله. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). دانش‌نامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، مترجم: علیرضا طیب. تهران: نشر نی.

محمدی، ناصر. (۱۳۹۵). جغرافیای کشورهای همجوار؛ پاکستان، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۹۷). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.

#### مقالات:

امجد، محمد. (۱۳۹۲). «نظریه همگرایی و سازمان کنفرانس اسلامی»، فصل‌نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۸-۱.

پیشگاهی فرد، زهرا؛ قدسی، امیر. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپولیتیک پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۹۹-۸۱.

حافظنیا، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۶). «علائق ژئوپولیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو»، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره ۳، صص ۲۷-۲۲.

سلیمی، حسین. (۱۳۹۸). «آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل اطلاق منطقه آسیای جنوب غربی آسیا»، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره دوم، صص ۱۱۸-۱۱۵.

شفیعی، میرعلی. (۱۳۹۸). «تحلیل ژئوپولیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران-هند»، مجله علمی-پژوهشی فضای جغرافیای دانشگاه آزاد اهر، شماره ۲۶، صص ۵۲-۴۸.